

اخلاق در حکومت حضرت علی (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



اخلاق در حکومت علی (علیه السلام)

علی (علیه السلام) اسوه عالم انسانیت و رشک مؤمنان در پیوستگی به حق و حقیقت است. همه صفات آن ابر مرد بزرگ و بی همتا، رهنمای مردان حق و سالکان راه راستی است و بنابر این از هر فرصتی برای یاد کردن و آموزش از محضر امام نخستین می باید بهره ها گرفت.

21 رمضان سالروز شهادت امام علی (علیه السلام) است. بر همگان تسلیت و راه و فرامین علی سرمشق و درس آموز بشریت باد.

اگر اخلاق اداری در زندگی کارری انسان وجود و حضور داشته باشد، کار کردن شیرین و توام با رضایت شغلی و احساس رضایتمندی و خود شکوفایی از یک سو و رضایت مردم و پیشرفت امور و شکوفایی کار از دیگر سوی است و در نتیجه موجب رضایت خالق و بارش رحمتها و برکت های او. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در پایان عهدنامه مالک اشتر چنین یادآوری کرده است:

«و من از خدا می خواهم با رحمتی فراگیر که او راست و قدرت بزرگ او بر انجام هر گونه درخواست، که من و تو را توفیق دهد در آنچه خوشنودی او در آن بود؛ از داشتن عذری آشکار در پیشگاه او و آفریدگانش و واگذارن نام نیکو میان بندگانش و آثار نیکو میان بندگانش و آثار نیک در شهرها و تمامی نعمت و فراوانی کرامت.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پس از بیان عهدنامه ای جامع در اداره امور، برای خود و مالک اشتر از خداوند خواستار توفیق می شود در آنچه خوشنودی خداوند در ان است و این خوشنودی که مایه رحمت و برکت خداست به سبب خدمتگزاری به مردمان است به گونه ای که بتوان در برابر خداوند و افریدگانش عذری آشکار در نیکو انجام دادن وظایف داشت و نیز باقی گذاشتن نام نیکو میان بندگان او و آثار نیک در شهرها ؛ و این بهترین والاترین جلوه اخلاق توحیدی است.

رشد و شکوفایی استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق، در عرصه کار و عمل بر پایه های اخلاق اداری است. فقدان اخلاق اداری یعنی محو زمینه و بستر شکوفایی انسان و جامعه در جهت کمال مطلق. زوال اخلاق اداری یعنی ظهور احساس ناخشنودی از خود، و احساس بطالت، و احساس سقوط و هلاکت که ظهور این احساس به صورت نمودهای زیر است:

ترشروی، برآشفتگی، کم تحملی، بد رفتاری، بی حوصلگی، ست پیمانی، کارگریزی، بیماریهای روان تنی. حضور اخلاق اداری، کارکردن را از صورتی تکراری و خسته کننده و ملال آور بیون می برد و به انسان احساس تعالی می بخشد و همین احساس تعالی در نفس کار کردن و مناسبات انسانی با دیگران بشدت تاثیر می گذارد ؛ و با شکسته شدن اخلاق، همه حریم ها می شکند و چون حریم ها شکسته شود هر پلیدی می تواند در باطن و ظاهر، و در مناسبات و روابط ظهور کند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در سفارشی نورانی فرموده است: «مبادا اخلاق نیک را در هم شکنید و آن را دگرگون و بهه اخلاق بد مبدل سازید.»

تاکید بر اخلاق اداری

خطرناکترین رویداد انسانی انحطاط اخلاقی و شکسته شدن مرزهای اخلاقی است که در این صورت هیچ چیز به سلامت نخواهد ماند و انسانیت فرو می ریزد، و این امر در امور اداری از جایگاهی خطیر و ویژه برخوردار است، زیرا وقتی انسان از محدوده فردی خارج می شود و در پیوند با دیگر انسانها قرار می گیرد و این پیوند صورتی اداری می یابد، اگر اخلاق نیک حاکم بر روابط انسانی نباشد، فاجعه چندین برابر می شود. به همین دلیل است که والاترین ملاک در هر سازمان اداری متخلق بودن به اخلاق انسانی است. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در عهدنامه یادآوری می کند و می فرماید:

«سپس در کار عاملان خود بیندیش و پس از آزمودن به کارشان بگمار، و ببه میل خود و بی مشورت دیگران به کاری مخصوص شان مدار، که به هوای خود رفتن و به رای دیگران ننگریستن، ستمگری بود و خیانت؛ و عاملانی این چنین را در میان کسانی جو که تجربت دارند و حیا، از خاندانهای پارسا که در مسلمانی قدمی پیشتر دارند {و دلبستگی بیشتر} ؛ اخلاق آنان گرمی تر است و آبرویشان محفوظ تر و طمعشان کمتر و عاقبت نگری شان فزونتر.»

امام (علیه السلام) به دقت در مجموعه ای از ویژگی ها و خصوصیات د رگزینش افراد سفارش می کند که حاصل این دقت، گزینش عاملانی است متخلق به اخلاقی نیک: «انسان هایی گرمی تر و با آبروتر و با طمعی کمتر.» همچنین امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر به او چنین فرمان می دهد: «پس درباره کاتبان و دبیران خود بنگر، و بهترینشان را بر سر کار بیاور و نامه هایی را که در آن تدبیرها و رازهایت نهان است، از جمع کاتبان و دبیران به کسی اختصاص ده که به اخلاق از دیگران شایسته تر است.» مشاهده می شود که امام (علیه السلام) آنچه مایه برتری آدمیان و سبب والایی شان است، کرامتهای اخلاقی است و این کرامتها در اداره امور نقشی اساسی دارد. روایت شده که آن حضرت فرمود: «بر شما باد به مکارم اخلاق که آن سبب والایی است.»

والایی مردمان و اعتبار آنان به مکارم اخلاق در ایشان است و کسانی که در جایگاه اداره امور قرار می گیرند، بیش از هر چیز به مکارم اخلاق و بزرگواری های انسانی نیازمندند که روابط انسان ها بدون کرامت های اخلاقی، روابطی خشک و نادرست خواهد شد.

البته هر چه مراتب اشخاص در امور اداری بالاتر برود و حیطة مسئولیت آنان گسترده شود، اخلاق اداری و کمالات انسانی در آنان باید بالاتر و برتر باشد، زیرا اخلاق و رفتار مسئولان و کارگزاران اصلی و مدیران ارشد به شدت بر دیگران تاثیر گذار است. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در سخنی بلند به جابر بن عبدالله انصاری این حقیقت را چنین بیان فرموده است:

ای جابر! دین و دنیا به چهار چیز برپاست: دانایی که دانش خود را به کاربرد و نادانی که از آموختن سرباز نزند و بخشنده ای که در بخشش خود بخل نکند و درویشی که آخرت خویش را به دنیای خود نفروشد.

کسانی که در مراتب و مسئولیت های بالاتر قرار دارند، بیش از دیگران به پای بندی اصول اخلاقی نیازمندترند و با زیر پا گذاشتن اخلاق از جانب آنان، دین و دنیای مردمان به تباهی کشیده می شود و البته پای بندی آنان به اخلاق زمینه ای مناسب برای دیگران در اتصاف به کمالات اخلاقی فراهم می سازد؛ به بیان پیشوای پای بندان به اصول اخلاقی، علی (علیه السلام):

«زمامدار همچون رودخانه پهناوری است که رودهایی کوچک از آن جاری می شود؛ پس اگر آب آن رودخانه پهناور، گوارا خواهد بود و اگر شور باشد، آب درون آنها نیز شور خواهد بود.»

بر اساس چنین نگرشی، مسئولیت حراست حریم های اخلاقی در امور ادار بیش از هر کس بر زمامداران و مدیران ارشد است و امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرموده است:

آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش بپردازد و پیش از آن که به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید و آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.

بنابراین در تحقق اخلاق اداری در هر مجموعه ای، بیش از هر کس باید بر اخلاق مدیران ارشد تاکید شود و مدیران پیش از آنکه از دیگران انتظار رفتار و سلوک مبتنی بر اخلاق اداری داشته باشند، خود باید جلوه گر چنین امری باشند؛ و نیز پیش از آن که با زبان فرمان خواهان اخلاق اداری باشند، به کردار و رفتار خود چنین امری را سامان دهنده باشند.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) خود بیش از هر کس در اداره امور پای بند اخلاق بود. اخلاق اداری نزد امام (علیه السلام) از چنان جایگاهی برخوردار بود که آن حضرت در نخستین خطبه حکومتی خود، اساس اداره امور را بر آن معرفی نمود و فرمود:

«آنچه می گویم بر عهده من است من خود ضامن آن هستم. آن کس که حوادث عبرت آموز روزگار را به چشم ببیند و از آن پند پذیرد، پرهیزگاری اش او را از آلوده شدن به کارهای شبهه ناک باز می دارد...»

بدانید که خطاکاری ها همانند مرکب های سرکش و چموشند که خطاکاران را بر آنها سوار کرده اند و آن مرکب های لجام گسیخته به ناگاه می تازند و سواران خود را به آتش دوزخ سرنگون می کنند؛ و بدانید که پرهیزگاریها همانند مرکب های رام و نجیبند که پرهیزگاران بر آنها سوار داده اند و آن مرکب ها سواران خود را با آسودگی به سر منزل بهشت می رسانند.

اداره امور بر اساس اخلاق موجب رشد و کمال انسان و گردش درست امور و پیشرفت کارها و رسیدن به سر منزل

مقصود است. امیرمؤمنان (علیه السلام) چنان بر حضور اخلاقی اداری در صحنه اداره امور تاکید داشت که در نخستین خطبه حکومتی خود، صداقت و صراحت در کار را از جمله مهمترین مسائل اخلاقی در چنین عرصه ای مطرح نمود و فرمود:

«به خدا سوگند که به اندازه سرسوزنی حقیقتی را پنهان نداشته ام و هیچ گونه دروغی به زبان نیاورده ام.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آنچه را سفارش نموده، خود پیش از بیان آن، به ساحت عمل در آورده است و آنچه را پرهیز داده، خود پیش از به زبان راندن، در عرصه عمل از آن دوری نموده است و از این رو سخنان امام علی (علیه السلام) حقایقی به عمل درآمده و راه و رسمی قابل پیروی است، چنانکه حضرتش فرموده است:

«مردم، به خدا سوگند شما را به هیچ طاعتی وادار نمی کنم مگر اینکه پیش از شما خودم به آن عمل می کنم و شما را از معصیتی نهی نمی کنم مگر اینکه پیش از شما خود از آن کناره گیری می نمایم.»

نقش ایمان به حقیقت هستی و باورهای دینی در اخلاق اداری

در اندیشه توحیدی امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ایمان به حقیقت هستی و باورهای دینی را اصلاح اخلاق اداری نقشی مبنایی دارد؛ و از این رو آن حضرت در فرمانهای حکومتی و دستورالعمل های اداری خود، بر یاد حق و یاد معاد تاکید می فرماید و کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری خود را با توجه به بخشیدن به حاضر و ناظر حقیقی و یاد آوردن حسابرسی دقیق الهی به پای بندی بیه اصول اخلاق اداری فرا میم خواند. آن که به خدای متعال ایمان دارد و خود را در محضر او می بیند، بی گمان پای بند آداب اخلاقی و رفتار انسانی می گردد. آن که معاد را باور دارد و حساب و کتاب دقیق الهی را بر کردار و رفتار خود حاکم می داند، توجهی دقیق می نماید که حسابرسی این عالم را از حسابرسی های این عالم به مراتب سخت تر می داند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در آغاز عهدنامه مالک اشتر با یادآوری باورهای والای ایمانی مالک را در کارگزاری راه می نماید تا اخلاق اداری بر مبنایی اساسی در او جلوه نماید:

او را فرمان می دهد به ترس از خدا و مقدم داشتن طاعت خدا بر دیگر کارها و پیروی آنچه در کتاب خود فرمود، از واجب و سنت ها که کسی جز با پیروی آن راه نیگبختی را نپیمود و جز با نشناختن و ضایع ساختن آن بدبخت نبود و این که خدای سبحان را یاری کند به دل و دست و زبان، زیرا خداوند که بزرگ است نام او یاری هر که او را یار باشد پذیرفته است و عزت بخشی هر که او را عزیز دارد به عهده گرفته است و او را می فرماید تا نفس خود را از پیروی آروزها باز دارد و هنگام سرکشیها به فرمانش آرد که همانا نفس به بدی وا می دارد، جز که خدا رحمت آرد.

همچنین امیرمؤمنان علی (علیه السلام) وقتی مالک را به رفتاری سراسر رحمت و محبت و گذشت با مردمان فرمان می دهد، او را متوجه حاکمیت الهی بر همه چیز می کند و اینکه دور شدن از اخلاق انسانی به منزله اعلام نبرد با حقیقت هستی است که نتیجه آن روشن و کیفر آن بیرون از توان احدی است. آن حضرت می فرماید:

«قلب خود را لبریز ساز از رحمت بر مردمان و دوستی ورزیدن با آنان و مهربانی کردن به همگان؛ و همچون جانوری درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری! زیرا مردمان دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تواند و دسته دیگر

در آفرینش با تو همانندند ؛ گناهی از ایشان سر می زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می شود، یا خواسته و ناخواسته خطایی بر دستشان می رود. پس به خطاهایشان منکر و از گناهانشان درگذر، چنانکه دوست داری خدا بر تو ببخشد و گناهت را عفو فرماید، چه تو برتر آنانی و آن ککه بر تو سرپرستی دارد از تو برتر است و خدا از آن که تو را سرپرستی داد بالاتر و او سامان دادن کارشان را از تو خواست و آنان را وسیله آزمایش تو ساخت و خود را آماده جنگ با خدا مکن که کیفر او را نتوانی برتافت و در بخشش و آمرزش از او بی نیازی نخواهی یافت.»

امام علی (علیه السلام) بر مبنای اصلاح رابطه آدمی با حقیقت هستی و در یافتنی واقعی از جایگاه انسان در نظام بی کران هستی، کارگزاران خود را به اخلاق انسانی در اداره امور سوق می دهد، چنانکه در اوایل عهدنامه مالک اشتر بدو می فرماید:

«و اگر قدرتی که از آن برخورداری، نخوتی در تو پدید آورد و خود را بزرگ شمردی، بزرگی حکومت پروردگار را که برتر از توست بنگر، که چیست، و قدرتی را که بر تو دارد و تو را بر خود آن قدرت نیست.»

امیرمؤمنان (علیه السلام) پیوسته کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری خود را به یاد حق و یاد معاد توجه می داد تا در اداره امور کاملاً انسانی عمل نمایند و دست تطاول نگشایند و به سرکشی و تندگی رفتار نیایند. آن حضرت در پایان عهدنامه مالک اشتر بدو چنین یادآوری می نماید:

«و بپرهیز از آنکه چیزی را به خود مخصوص داری که بهره مردم در آن یکسان است ؛ و بپرهیز از غفلت در آنچه بدان توجه باید، و در دیده ها نمایان است. چه آن را که گرفته ای از تو برای دیگری سته است، و به زودی پرده کارها از پیش دیده ات گرفته، و داد از تو بستانند و به ستمدیده رسانند. به هنگام خشم خویش‌تندار باش و تندگی و سرکشی میار و دست قهر پیش مدار و تیزی زبان بگذار، و از این جمله خودداری کن، با سخن ناسنجیده بر زبان بنیاوردن، و در قهر تاخیر کردن، تا خشم آرام شود و عنان اختیار به دست آید؛ و چنین قدرتی بر خود نیابی جز که فراوان به یاد آری که در راه بازگشت به سوی کردگاری.»

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به صراحت رفتار و کردار مبتنی بر اخلاق اداری را بر یاد معاد بیان می کند و به مالک سفارش می نماید که بازگشت به سوی پروردگار را بسیار به یاد آرد تا بتواند به درستی عمل نماید و از بی انصافی و ستمگری، و از تندگی و سرکشی خود را به دور نگه دارد.

اگر آدمی خود را رفتنی ببیند و بداند که برای همه امور خویش باید پاسخگوی پروردگاری قادر و قهار باشد، این باور به شدت در رفتار و کردار اداری او تاثیر می گذارد ؛ به بیان امام علی (علیه السلام):

«اگر بنده اجل و پایان آن را می دید، با آرزو و فریب دادن آن دشمنی می ورزید.»

انسانی که خود را دائمی ببیند و اسیر آرزوهای پست دنیایی شود، بی گمان به سوی تعدی و حرمت شکنی، و تجاوز و چپاولگری میل می نماید:

آن که آرزو را دراز کرد، کردار را نابساز کرد.

پیشوای پروا پیشگان، علی (علیه السلام) با یادآوردن این امور، عاملی بازدارنده را در آدمی بیدار می کند تا بدین سبب انسان گام در تباهی و مرز کشنی و نافرمانی ننهد:

بترس که خدایت در معصیت خود بیند و در طاعت خویش نیاید و از زیانکاران باشی. پس اگر نیرومندی شدی نیرویت را در اطاعت خدا بگمار! و اگر ناتوان گشتی، ناتوانی ات را در نافرمانی او به کار دار.

قرار گرفتن در مصدر امور، در هر مرتبه ای، انسان را در معرض تباهی در رفتار و کردار قرار می دهد: هر که بر ملک دست یافت، تنها خود را دید و از دیگران رو بتافت.

آن که به نوایی رسید، خود را از دیگران برتر دید.

آنچه در این میان از مهمترین عوامل نگه دارنده آدمی است، پایبندی به اصول اخلاقی به تبع یادآوری پیوسته حقیقت هستی و بازگشتگاه ابدی است. اگر انسان معاد را باور داشته باشد، برای آنجا بدترین توشه را که رفتار نادرست و کردار نادر است، بر نمی دارد:

ستم راندن بر بندگان، بدترین توشه است برای آن جهان.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در فرمانهای حکومتی و دستورالعملهای اداری خود مکرر بدین امر پرداخته است که این خود بیانگر نقش اساسی ای است که ایمان به حقیقت هستی و باورهای دینی در اخلاق اداری دارد، چنانکه حضرت در یک یاز فرمانهای حکومتی خود چنین آورده است:

او را می فرماید که از خدا بترس در کارهای نمانش و کرده های پنهانش آنچه که جز خدا کسی نگرنده نیست و جز او راه برنده. و او را می فرماید تا آشکارا اطاعت خدا را نگذارد و در نهان خلاف آن را آرد. و آن کس که نهان و آشکار، و کردار و گفتار او دو گونه نبود، امانت را گزارده. و او را می فرماید که زیردستان خود را نرنجانند و دروغگویشان نخوانند، و به خاطر زمامدار بودن روی از ایشان برنگردانند، که آنان در دین برادرانند و یاور، و در به دست آوردن حقوق مسلمانان مددکار ... ما حق تو را به تمام می پردازیم، پس باید حقوق آنان را تمام به آنان برسانی و گرنه روز رستاخیز دارای بیشترین خصمانی.

بنابراین در اندیشه و سیره اداری امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پایبندی به اخلاق اداری مهمترین جایگاه را دارد که بدون آن نظام اداری سامانی انسانی نخواهد یافت.

نویسنده: مصطفی دلشاد تهرانی